

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

محمد جعفری
۰۲ اپریل ۲۰۱۷

در نقد "رؤیاهای رسولانه" عبدالکریم سروش

(بخش دوم)،



محکم و متشابه؟

در این بخش، به نقد ادعای سروش در این باره وجود پارادوکس‌ها می‌پردازیم. او می‌گوید: «قرآن پر از پارادوکس و تناقض است» مجری برنامه پرگار از وی پرسد: کدامها؟ دکتر سروش پاسخ می‌دهد: «اما تناقضها و یا بگوئیم اختلاف‌ها در قرآن به خاص و عام و مطلق و مقید خلاصه نمی‌شود و لذا گفتار دانستن و یا هر چیزی، تاریخ‌مند دانستن قرآن کل آن مسائل را حل نمی‌کند. آنچه نظریه رؤیاهای بنده حل می‌کند تناقض در یک سطوح بالائی است که ربطی به کانتکس ندارد...» «یک پارادوکس‌هایی در قرآن هست که با اینها حل نمی‌شود.»

مجری پرسید: کدامها؟ سروش پاسخ می‌دهد: «الآن من عرض می‌کنم. مسأله جبر و اختیار، ببینید جبر و اختیار Ege of problem از مشکلاتی است که تا امروز هم با ماست. معلوم نیست بالاخره قرآن جبری است و یا اختیاری و ما دوتا فرقه بزرگ معتزله و اشعری داریم بر سر همین موضوع و در شیعیه هم که گفته اند: لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین، استخوان لای زخم گذاشته‌اند.» (۹)

در جایی دیگر همین برنامه، مجری می‌پرسد: «آقای سروش این که قرآن می‌گوید مبین است و این یعنی آشکار و واضح است و دنبال چیزهای عجیب و غریب نگردید و دنبال تغییر نگردید، دنبال خواب‌گزار نروید و خود قرآن نص قرآن این را می‌گوید؟» و سروش پاسخ می‌دهد: «ببینید در باب محکمت و متشابهات که بازرگان تأکید می‌کنند و تأیید می‌کنند، به حق، بر آنها خودشان هم وقوف دارند و همه کسانی که به تفسیر آشنا هستند وقوف دارند، تقریباً آیه ای از آیات قرآن نیست که بر سر آن اختلاف نشده باشد. یعنی آیاتی که عده ای محکم پنداشتند، دیگران متشابه پنداشتند. مرحوم علامه طباطبائی دو تا آیت در قرآن را ایشان آورده‌اند و ذکر کرده‌اند و صریحاً گفته اند: احتمالات معانی این آیات را ایشان ذکر کرده‌اند. یکی‌اش در سوره بقره است و ترا علیهم (منظور آیت ۱۰۲ سوره بقره است. ن.) بله آیت

مربوط به دیوان و سلیمان است و تبعوا من تتل الشیاطین ایشان ضبط کرده اند یک میلیون دو بیست و هزار معنی برای این آیت گفته شده، کسی هم نگفته این آیت جزو متشابهات است، قصه‌ای است. مربوط به دیوان از سلیمان و ممکنه از اصل هم اسطوره‌ای باشد. ولی این چنین است» (۱۰)

باز در همین پاره، دکتر سروش در مقاله «رؤیاهای رسولانه» در نکته سوم در باب تناقض‌های قرآن چنین می‌نویسد: «آیات متشابه که محتاج تأویل اند، در این دیدگاه همان رؤیاهای محتاج تعبیرند و جالب آن است که پاره ای از قدمای مفسران، فقط آیات احکام را محکم شمرده‌اند و بقیه آیات را از جنس متشابهات دانسته‌اند، یعنی تقریباً همه قرآن را (تفسیر المیزان، آل عمران/ ۷)» (۱۱)

بدین ترتیب، دکتر سروش سه مدعی را طرح می‌کند:

الف- آیات محکم و متشابه که مستند می‌کند به قول طباطبائی؛

ب- جبر و اختیار و این که معلوم نیست بالاخره قرآن قائل به جبر است یا اختیار و

ج- شیعه هم گفته: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین، استخوان لای زخم گذاشته اند.»

الف- در مورد متشابهات و قول طباطبائی:

سروش در باره مدعی خود که گویا آیت‌های قرآن، بایکدیگر اختلاف‌ها دارند، به قول طباطبائی این‌گونه استناد می‌کند: «تقریباً آیه‌ای از آیات قرآن نیست که بر سر آن اختلاف نشده باشد، یعنی آیه‌ای که عده‌ای محکم پنداشتند، دیگران متشابه پنداشتند. مرحوم علامه طباطبائی دو تا آیت در قرآن را ایشان آورده‌اند و ذکر کرده‌اند و صریحاً گفته‌اند: احتمالات معانی این آیات را ایشان ذکر کرده‌اند. یکی‌اش در سوره بقره است: و ترا علیهم (منظور آیت ۱۰۲ سوره بقره است . ن). بلکه آیه مربوط به دیوان و سلیمان است «وتبعوا من تتل الشیاطین» ایشان ضبط کرده‌اند یک میلیون و دو بیست و هزار معنی برای این آیت گفته شده، و در مقاله «رؤیاهای رسولانه» از قول وی می‌آورد: «آیات متشابه که محتاج تأویل‌اند، در این دیدگاه همان رؤیاهای محتاج تعبیرند و جالب آن است که پاره ای از قدمای مفسران، فقط آیات احکام را محکم شمرده‌اند و بقیه آیات را از جنس متشابهات دانسته‌اند، یعنی تقریباً همه قرآن را (تفسیر المیزان، آل عمران/ ۷)» (۱۲). دکتر سروش در مورد متشابهات برای اثبات نظر خود از قول طباطبائی می‌آورد که تقریباً همه قرآن متشابه است و سند آن هم تفسیر المیزان، آل عمران/ ۷، ذکر می‌کند. بنابراین نظر طباطبائی در مورد آیت ۱۰۲ سوره بقره و آیت ۷ سوره آل عمران در دو قسمت آورده می‌شود، تا معلوم گردد چگونه دکتر سروش برای اثبات نظر خود از مرحوم طباطبائی مایه می‌گذارد. نخست، بدانیم که در توضیحات ذیل آیت ۷ سوره آل عمران، طباطبائی نمی‌گوید «پاره‌ای از قدمای مفسران تقریباً همه قرآن متشابه است.» و سپس،

یکم: نقل قول طباطبائی، صاحب المیزان از آیت بقره/ ۱۰۲:

● طباطبائی در باره آیت ۱۰۲ سوره بقره می‌گوید: «و بخدا سوگند این مطلب از عجائب نظم قرآن است، که يك آیه اش با مذاهب و احتمالهائی می‌سازد، که عددش حیرت انگیز و محیر العقول است، و در عین حال کلام همچنان بر حسن و زیبایی خود متکی است، و بزیباترین حسنی آراسته است و خدشه‌ای بر فصاحت و بلاغتش وارد نمیشود، و انشاءالله نظیر این حرف در تفسیر آیه: (ءافمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه، و من قبله كتاب موسى اماما و رحمة) از نظر خواننده خواهد گذشت.» (۱۳) - [نقل قول ویراستاری نشده- پورتال]

بدین‌قرار، طباطبائی در مقام ستایش از آیتی است که احتمال‌ها را حساب می‌کند. چون در مقام نقد نظر او نیستیم و در مقام آنیم که ببینیم قول او همان‌است که سروش می‌گوید، به المیزان مراجعه می‌کنیم:

۱. آیا طباطبائی در مقام تشخیص محکم و یا متشابه بودن آیت است و می‌گوید مفسران در این باره اختلاف نظر دارند؟ خیر!

۲. آیا بر سر حکم آیت «حرمت سحر و جادو» اختلاف دارند، نه!

۳. آیا بر سر این واقعیت اختلاف دارند که کاربرد سحر و جادو در روابط قواء و سلطه جوئی است؟ نه!

۴. آیا بر سر این اختلاف دارند که مردمی که علم و فن را وسیله سحر و جادوگری می‌کنند و آن‌را، با استفاده از ذهنیات مردم و زبان عامه فریب خود به کار می‌برند، کارشان تحریف و از خود بیگانه کردن بیان حق است؟ نه!

۵. آیا بر سر این اختلاف دارند که در جامعه‌هائی سحر و جادو رواج می‌یابد که اسطوره قدرت پرستش می‌شود و همگان انتظار دارند که آن اسطوره همه چیز را، آنهم هم‌اکنون و هم اینجا، در اختیارشان بگذارد؟ خیر!

۶. آیا بر سر این اختلاف دارند که کفر پوشاندن حقیقت است و سحر و جادو با فریفتاری همراه است؟ نه!

۷. آیا بر سر این مهم اختلاف دارند که خداوند انسان‌ها را می‌آزماید و ابتلا روشی است که قرآن می‌آموزد و هرگاه انسان‌ها این روش را همگانی می‌کردند، زورمداران فریب‌کار و ساحران در خدمت آنها پیدا نمی‌شدند؟ خیر!

۸. آیا بر سر این اختلاف دارند که آیت می‌گوید سلیمان سحر و جادو می‌کرد و یا نمی‌کرد؟ خیر! همه می‌گویند سلیمان سحر و جادو نمی‌کرد.

بدین‌قرار، در آموزش‌های اساسی آیت - افسوس که او نمی‌بیند - اختلافی وجود ندارد. اختلاف نظرها و زیادت احتمال‌ها نه ناشی از خود آیت که ناشی از نبود علم بر پدیده‌ها و امور واقع است. هرگاه مفسران به پدیده‌ها و امور واقعی که از آنها اطلاع نمی‌داشتند، نمی‌پرداختند و به آموزش‌های آیت می‌پرداختند، جامعه بشری فراوان داشته‌ها در اختیار می‌داشت که اینک از آنها غافل است.

محاسبه احتمال‌ها توسط طباطبائی (یک میلیون و دویست و شصت هزار احتمال) بیانگر همان واقعیت است که پوپر نیز اظهارش می‌کند: «ما نمی‌دانیم و جز این که حدس بزنیم، کاری نمی‌توانیم کرد. حدس‌ها که می‌زنیم معنای پیش فرضی‌هائی را پیدا می‌کنند که باید مورد آزمون قرار گیرند». بنابراین واقعیت، مفسران چون نمی‌دانند، حدس‌ها می‌زنند. هرگاه آنها آموزش‌های بالا را موضوع کار خود می‌کردند، چون قابل دانستن بودند، اختلاف نظر نیز پیدا نمی‌کردند. چنان‌که در باره هشت آموزش بالا، آنها که از آنها غافل نشده‌اند، اختلاف نیز ندارند. بدین‌قرار، سروش هم وارونه نظر طباطبائی را می‌گوید و هم از این واقعیت غافل است که نقص از انسان‌ها است که نمی‌دانند و حدس می‌زنند و نه از قرآن.

دوم: نقل قول طباطبائی، صاحب المیزان از آیت ۷ سوره آل عمران

دکتر سروش همه قرآن را تقریباً متشابه می‌پندارد و برای اثبات نظر خود آن را به طباطبائی صاحب المیزان منتسب می‌کند: «آیات متشابه که محتاج تأویل اند، در این دیدگاه همان رویاهای محتاج تعبیرند و جالب آن است که پاره ای از قدمای مفسران، فقط آیات احکام را محکم شمرده‌اند و بقیه آیات را از جنس متشابهات دانسته‌اند، یعنی تقریباً همه قرآن را (تفسیر المیزان، آل عمران/ ۷)» (۱۴)

به المیزان مراجعه کنیم و ببینیم آیا طباطبائی چنین نظری دارد و یا به عکس می‌گوید متشابهات به یمن سنجیدن به محکمت، محکم می‌شوند. بنابراین، همه قرآن را محکم می‌داند. متن آیت چنین است:

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشبهت فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشبه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاءویله و ما یعلم تاءویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون امانا به کل من عند ربنا و ما ینکر الا اولوا الالباب.

«اوست که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. بخشی از آن آیت های محکم [صریح و روشن] است. آن ها اساس کتابند و بخشی دیگر آیت های متشابه است [که تأویل پذیرند]. اما کژدلان به جهت فتنه جوئی و تأویل آن [به دلخواه خود] از آیات متشابه پیروی می کنند، در حالی که تأویل آن را جز خدا نمی داند. و آنان که در دانش راسخ و استوارند می گویند: «ما بدان ایمان آورده ایم. همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار مان است و جز خردمندان پند نگیرند.»

طباطبائی ابتداء، در مورد آیت توضیحی مختصر و کلی می دهد و سپس آن را تفکیک می کند و جزء به جزء آن را شرح می کند: « و یکی از اوصاف مجموع کتاب این است که این کتاب مشتمل بر آیات محکم و آیات متشابه است، که برگشت قسمت دوم (متشابهات) به قسمت اول (محکمت) است، و به وسیله آنها، آیات متشابه شرح و تبیین می شود. پس کتاب از این نظر چیز واحدی تصور شده، نه چیزی که دارای اجزای متعدد و بسیار است» (۱۵) وی ادامه می دهد: « و در مورد آیه مورد بحث، منظور از احکام محکمت، صراحت و اتقان این آیات است و می خواهد بفرماید آیات محکم مانند آیات متشابه هیچ تشابهی در آن ها نیست، و خواننده بدون تردید و اشتباه به معنایش پی می برد، نه این که "العیاذ بالله" معنایش این باشد که بعضی از آیات قرآن معنادار است، و بعضی دیگر سست و بی معنا است. و چون خدای عزوجل در سوره هود آیه اول تمامی آیات قرآن را محکم و متقن خوانده، و فرموده: "کتب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر" (۱۶)

سپس به توضیح " ام الکتاب " می پردازد و می گوید: «حال ببینیم معنای " ام الکتاب " چیست؟ و چرا آیات محکم را " ام الکتاب آیات " خوانده؟ به حسب اصل لغت، ام به معنای مرجعی است که چیزی و یا چیزهائی بدان رجوع می کنند. آیات محکم را نیز از همین جهت " ام الکتاب " خوانده که مرجع آیات متشابه است. پس معلوم می شود بعضی از آیات قرآن یعنی متشابه آن، به بعضی دیگر، یعنی آیات محکم، رجوع دارند. و از همین جا روشن می شود که کلمه " ام " بر کلمه " الکتاب " اضافه لامیه، نظیر اضافه " ام " بر کلمه " الاطفال = مادر کودکان " نیست، بلکه به معنای «من = از» است، نظیر اضافه «نساء القوم» و «قدماء الفقهاء» و امثال آن است.

بنابر این قرآن کریم مشتمل بر آیاتی است که مادر و مرجع آیات دیگر است، و اگر کلمه « ام » را مفرد آورده، با این که آیات محکم متعدد است و جا داشت کلمه نامبرده را به صیغه جمع یعنی «أمهات» بیاورد، و بفرماید «هُنَّ أمهات الکتاب»، برای این بود که بفرماید: آیات محکم در بین خود هیچ اختلافی ندارند به طوری که گوئی یکی هستند.» (۱۷) طباطبائی برای این که توضیح بدهد که تشابه در آیت ۲۳ سوره زمر با این تشابه یکی نیست، می گوید: « نکته دیگر این که: در آیه شریف، کلمات «محکمت» در مقابل «أخر متشابهات» قرار گرفته، پس معلوم می شود، همان طور که گفتیم آیات قرآن دو قسمند، آن دسته که محکم است متشابه نیست، و آنکه متشابه است محکم نیست و تشابه به معنای توافق چند چیز مختلف و اتحاد آنها در پاره ای از اوصاف و کیفیات است، و از سوی دیگر قرآن چنین توصیف کرده که کتابی متشابه و مثانی است، بطوری که پوست بدن مردم خدا ترس، از شنیدن آن جمع می شود، و می فرموده: «کتبا متشابهها مثانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم...» و مسلماً منظور از این تشابه غیر از آن تشابه است، منظور آن است که آیات این کتاب (چه محکم و چه متشابه) از این نظر که یک اسلوب بی نظیر دارند، و همه آن ها در بیان حقایق و حکمت ها و هدایت به سوی حق صریح و اسلوبی متقن دارند، متشابه و نظیر هم هستند، و منظور

از تشابه در آیه مورد بحث، این است که آیات متشابه طوری است که مقصود از آن برای فهم شنونده روشن نیست، و چنان نیست که شنونده به مجرد شنیدن آن، مراد از آن را درک کند، بلکه در این که منظور، فلان معنا است یا معنای دیگر تردید می کند، و تردیدش برطرف نمی شود تا آن را به آیات محکم رجوع نموده و به کمک آن ها معنای آیات متشابه را مشخص کند، و در نتیجه همان آیات متشابه نیز محکم می شود، پس آیات محکم به خودی خود محکم است، و آیات متشابه به وسیله آیات محکم، محکم می شود.» (۱۸) - [نقل قول ویراستاری نشده- پورتال]

و ادامه می دهد: «و اگر ما فرض کنیم که این آیه از آیات متشابه است آن وقت تمامی آیات قرآن متشابه می شود. دیگر جا ندارد که آیات را به دو قسم، محکم و متشابه تقسیم کند، و بفرماید: «هُنَّ أَمْ الْكُتَابُ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ» و دیگر جمله «هن ام الکتاب» دردی را دوا نخواهد کرد، برای این که فرض کردیم خودش هم متشابه است» (۱۹) و نتیجه می گیرد: همان ها هم موافق اصول مسلمة قرآن است: «علاوه بر اینکه هر کس آیات قرآن را از اول تا آخر مورد دقت قرار دهد، هیچ شکی نمی کند در اینکه حتی یک آیه از آن، بدون مدلول و معنا(بطوری که خواننده هیچ معنایی از آن نفهمد) وجود ندارد، بلکه تمامی آیات آن، ناطق به مدلول خود هست، حال یا مانند آیات محکم ناطق به یک مدلول و معنا است، بطوری که هیچ عارف به کلامی در آن شک نمی کند و یا مانند آیات متشابه که بین چندین معنا مشتبه است و با صراحت می دانیم که یکی از آن معانی مراد است.

چیزی که هست این است که خواننده در اینکه کدامیک از آن معانی مقصود است شک و تردید می کند. و می دانیم آن معنای واحدی که مقصود خدای تعالی است، لابد بیگانه از اصول مسلمة در قرآن، از قبیل «وجود صانع» و «یگانگی او»، «بعثت انبیاء» «تشریح احکام»، «معاد» و... نیست، بلکه موافق با آن اصول است، و آن اصول هم همان معنا را نتیجه می دهد. و در فرض مسأله، مرجع ما همان اصول است که باید به وسیله آن معنای حق را از میان سایر معانی معین کنیم.

پس قرآن خودش مفسر خویش است و بعضی از آیاتش اصل و مرجع برای بعضی دیگر است. و آنگاه اگر اهل نظر بعد از توجه به این مطالب به آیه مورد بحث که می فرماید « مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أَمْ الْكُتَابُ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ » برخوردار کند، دیگر هیچ شکی نمی کند در اینکه مراد از کلمه «مُحْكَمَاتٌ» آیتی است که متضمن اصول مسلمة ای از قرآن است و مراد از کلمه «مُتَشَابِهَاتٌ» آیتی است که معانی آن ها به وسیله آیات دسته قبل روشن می گردد. « (۲۰) [نقل های قول ویراستاری نشده است-پورتال]

طباطبائی در اینجا دو نکته مهم دیگر را خاطر نشان می کند:

۱- همه قرآن موافق اصول مسلمة قرآن، «وجود صانع» و «یگانگی او»، «بعثت انبیاء»، «معاد» است. به عبارت دیگر همه قرآن موافق اصول اسلام یا دین: توحید، نبوت و معاد است. یعنی این که همه آیات قرآن باید با این اصول موافق باشد.

۲- تشابهی که در آیت ۲۳ زمر آمده «کتبا متشابهها مثنی...» غیر از تشابهی است که در آیت ۷ آل عمران آمده و می گوید: «و مسلماً منظور از این تشابه غیر از آن تشابه است. منظور آن است که آیات این کتاب (چه محکم و چه متشابه) از این نظر که یک اسلوب بی نظیر دارند، و همه آن ها در بیان حقایق و حکمت ها و هدایت بسوی حق صریح و اسلوبی متقن دارند، متشابه و نظیر هم هستند.» (۲۱) [نقل قول ویراستاری نشده است-پورتال]

بنابراین، طباطبائی خلاف آنچه سروش به او نسبت می دهد در برنامه پرگار می گوید: «درست است که ما می گوئیم محکمت و متشابهات. من می توانم این را بگویم، تقریباً می شود گفت فقط آیات احکام مربوط به وضو و غسل و حج و روزه و اینهاست که اندکی هم هست ۴۰۰-۵۰۰ آیه. اینها را تأکید کرده اند که جزء محکمت است که همان هم محل

کلام است. از اینها که بگذرید، فقط مسأله قیامت نیست، مسائل مربوط به خدا هست، مسأله مربوط به اخلاقیات هست... « [نقل قول ویراستاری نشده است-پورتال] ویا در مقاله «رؤیاهای رسولانه»، می‌نویسد: «و جالب آن است که پاره ای از قدامی مفسران، فقط آیات احکام را محکم شمرده‌اند و بقیه آیات را از جنس متشابهات دانسته‌اند، یعنی تقریباً همه قرآن را (تفسیر المیزان، آل عمران/ ۷)». [نقل قول ویراستاری نشده است-پورتال] او برای قبولاندن نظرش، قولی را به طباطبائی نسبت می‌دهد که ضد قول طباطبائی، صاحب المیزان است. طباطبائی، صریح و روشن، همه قرآن را محکم می‌شمارد: «آیات محکم به خودی خود محکم است و آیات متشابه به وسیله آیات محکم، محکم می‌شود».

حال که با مراجعه به المیزان مسلم شد قولی که سروش به طباطبائی نسبت می‌دهد، وارونه و ضد قول طباطبائی است، این سؤال محل پیدا می‌کند: چرا آقای سروش این چنین سخن دیگران را، بنابر نیاز، وارونه و یا تحریف می‌کند؟ این پرسش نخست از خود او است و بر او است که پاسخ دهد. حق این است که هرگاه بنابر اظهار حق باشد، نیاز به وارونه سازی قولی و نظری و یا تحریف آن پیدا نمی‌شود.

در قسمت بعد به این سخن سروش که «معلوم نیست که بالاخره قرآن جبری است و یا اختیاری» پرداخته می‌شود.

محمد جعفری ۲۷/دیماه/۱۳۹۵

یادداشت و نمایه:

۹- از بخش اول مصاحبه سروش با بازرگان در برنامه پرگار .:

https://www.youtube.com/watch?v=QBSXNM3q_Y&feature=youtu.be

۱۰- از بخش دوم مصاحبه سروش با بازرگان در برنامه پرگار :

<https://www.youtube.com/watch?v=PJZupxATAb8&feature=youtu.be>

۱۱- رؤیاهای رسولانه، عبدالکریم سروش، ۲۹ مه ۲۰۱۶ - ۰۹ خرداد ۱۳۹۵

http://www.bbc.com/persian/blogs/2016/05/160525_144_nazeran_sorush_bazargan

۱۲- همان سند.

۱۳- ترجمه المیزان ۲۰ جلدی، ج ۱، ص ۳۵۳.

۱۴- رؤیاهای رسولانه، عبدالکریم سروش، ۲۹ مه ۲۰۱۶ - ۰۹ خرداد ۱۳۹۵

http://www.bbc.com/persian/blogs/2016/05/160525_144_nazeran_sorush_bazargan

۱۵- ترجمه المیزان، ۲۰ جلدی، ج ۳، ص ۲۹.

۱۶- همان سند.

۱۷- همان سند، ص ۳۰.

۱۸- همان سند، ص ۳۰ و ۳۱.

۱۹- همان سند، ص ۳۲.

۲۰- همان سند، ص ۳۲ و ۳۳.

۲۱- همان سند، ص ۳۱. طباطبائی مشروح و مفصل به توضیح محکمت و متشابهات از جهات مختلف پرداخته، علاقه مندان می‌توانند به همین سند، ص ۲۹-۱۰۳ مراجعه کنند.